

## بررسی تطبیقی گفتمان سیاست خارجی دولت روحانی و دولت احمدی نژاد

صالح بلوکی\* - دانشجوی دکتری مسائل ایران، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران.

دکتر مهدی خوش خطی - استادیار علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران.

دکتر بهمن کشاورز قاسم آبادی - استادیار علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

DOR:20.1001.1.17354331.1402.19.71.8.3

### چکیده

با فهم نظام و ساختار معنایی دولت‌ها، می‌توان به تحلیل، بررسی و حتی پیش‌بینی رفتار و سیاست خارجی آنان پرداخت. در پژوهش حاضر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره‌های دولت یازدهم و دوازدهم بر مبنای تحلیل گفتمان اعتدال و در مقایسه‌ای با گفتمان عدالت‌محور دولت احمدی‌نژاد مورد بررسی قرار می‌گیرد. به طور کل با به قدرت رسیدن حسن روحانی، شاهد حضور گفتمانی جدید بر ساختار معنایی دولت هستیم. بر این اساس این پرسش مطرح می‌شود که تغییر گفتمان عدالت‌محور دولت احمدی‌نژاد به گفتمان اعتدال روحانی، چه تاثیری بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشته است و در پی کسب چه اهدافی است؟ یافته‌های پژوهش حاضر که برای پیشبرد مباحث خویش از روش ترکیبی توصیفی-تحلیلی بهره گرفته است، حاکی از آن است که سیاست جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان اعتدال، رویکرد مبتنی بر تعامل‌گرایی موثر و سازنده را در راستای بهبود و گسترش روابط با کشورهای منطقه و نظام بین‌الملل موجب گردیده است و رفتار مبتنی بر تعامل و تفاهم را جایگزین رفتار مبتنی بر تقابل و تهاجم کرده است.

واژه‌های کلیدی: سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران، گفتمان، اعتدال، عدالت‌محور.

## ۱. مقدمه

در بیانی کلی دو تعبیر از گفتمان داریم؛ تعبیر اول در قالب زبان، کلام، گفتار و سخن قرار می‌گیرد و تعبیر دوم تعبیری فرازبانی است. تعبیری که به تصور و فهم ما از واقعیت و جهان توجه دارد. در تحلیل و بررسی‌های علمی و پژوهشی از گفتمان، تعبیر دوم مورد توجه است. در این بیان گفتمان، زبان و رای جمله است و خود دارای معنا می‌باشد. به بیانی گفتمان، رسانه‌ای است که معنا به واسطه آن تولید می‌شود. بنابراین می‌توان با درک صحیح اصول و قواعد حاکم بر گفتمان، نیت و رفتار افراد را شناسایی، بررسی و حتی پیش‌بینی کرد. بر این اساس به باور بسیاری از پژوهشگران، با شناخت نظام و ساختار معنایی حاکم بر دولت‌ها می‌توان رفتارهای آنان را در حوزه‌های داخلی و خارجی مورد مطالعه قرار داد. در تحلیل گفتمان به فضای گفتمانی حاکم بر هر بازیگر توجه می‌شود. شکل تبلور گفتمان از سخنرانی‌ها آغاز و در نهایت در قالب رفتار خود را نشان می‌دهد.

با به قدرت رسیدن دولت روحانی در انتخابات سال ۹۲، گفتمان غالب بر نظام معنایی دولت، از گفتمان عدالت‌محور به گفتمان اعتدال تغییر یافت. نتیجه این دگرگونی اتخاذ سیاست مبتنی بر آرمان‌خواهی واقع‌بینانه بود. سیاستی که تفاهم و تعامل را سرلوحه رفتار و گفتار خود قرار داد و نتیجه آن رفتار مبتنی بر عقلانیت در دستگاه دیپلماسی ایران شد؛ به نحوی که براساس آن نگاه بازیگران بین‌الملل به ایران و نقش آن در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی تغییر و بر همین اساس مسئله هسته‌ای ایران به نحوی عاقلانه و مسالمت‌گونه حل گردید. به طورکل در این پژوهش درصدد هستیم به تحلیل تغییر گفتمان عدالت‌محور دولت احمدی‌نژاد به گفتمان اعتدال دولت روحانی پردازیم و تاثیر آن بر سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی را مورد پژوهش قرار دهیم. درصدد هستیم عوامل تاثیرگذاری که با توجه به گفتمان دولت حسن روحانی بر دستگاه دیپلماسی ایران حاکم و تاثیرگذار بوده را مورد واکاوی قرار داده و رفتار و سیاست‌خارجی ایران را در دولت حسن روحانی تحلیل نماییم. خواهیم گفت که رفتار دولت براساس گفتمانی خاص، چگونه بر ساختار روابط و رفتار دولت‌ها در عرصه‌های مختلف موثر بوده و رفتار دولت روحانی

براساس گفتمان اعتدال چگونه موجب تفاهم، سازش و در نهایت بهبود و گسترش روابط با دیگر دولت‌ها گردید.

## ۲. روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش ضمن توصیف و تحلیل دو گفتمان عدالت محور و اعتدال، و ارائه چارچوبی شماتیک برای مطالعه مسأله پژوهش، به تحلیل روابط و سیاست خارجی ایران در دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی بر اساس ساختار و نظام معنایی خاص خود پرداخته می‌شود. فنون گردآوری و تحلیل اطلاعات نیز با توجه به نوع تحقیق، براساس روش کتابخانه‌ای و اسنادی و بهره جستن از آثار مکتوب (اعم از کتاب، مقاله، بیانیه، گزارش) و آثار الکترونیک (اعم از سایت‌های اینترنتی، کتاب و مقالات الکترونیک) می‌باشد.

## ۳. مفاهیم، مباحث نظری و چارچوب تحقیق

### ۳-۱. مبانی نظریه گفتمان

تعاریف مختلفی برای گفتمان ارائه شده است. بهتر است از تعاریف کوتاه و ساده‌تر به سمت تعاریف غامض حرکت کنیم. استوبز<sup>۱</sup> «زبان و رای جمله و عبارت» را گفتمان می‌داند. فاسولد<sup>۲</sup> نیز مطالعه‌ی هر جنبه‌ای از کاربرد زبان را مطالعه گفتمان می‌انگارد. گی<sup>۳</sup> بر این باور است که گفتمان متضمن چیزی بیش از زبان است. یاورسکی و کاپلان تعریف جامعه‌شناختی تری از گفتمان ارائه می‌کنند. به اعتقاد این دو، گفتمان عبارت است از کاربرد زبان در رابطه با صورت‌بندی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی - زبانی که بازتاب‌دهنده‌ی نظم اجتماعی است و در عین حال به نظم اجتماعی و کنش متقابل افراد با جامعه شکل می‌دهد (Fazeli, 2004: 82). در بیانی خلاصه از گفتمان دو تعبیر می‌شود؛ یک تعبیر آن را در قالب زبان و کلام و گفتار یا سخن می‌داند و تعبیر دیگر آن را فرازبانی قلمداد می‌کند و نقش زمینه و بسترهای فرهنگی و

---

1. Stobz

2. Fasold

3. Gee

سیاسی و اجتماعی را در آن دخیل می‌داند. در تعبیر اول، به صورت و شکل و فرم زبان توجه می‌شود و در تعبیر دوم به زمینه‌مندی یا دخالت عوامل برون‌زبانی (اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) یا فرازبانی توجه دارد (Ferkelaf, 2000:9).

به بیانی ورود به حوزه گفتمان نیازمند درک صحیح و فهم دقیق اصول و قواعد حاکم بر نقش زبان می‌باشد. در عصر حاضر کاربرد زبان در شناسایی نوع رفتار و نیت افراد و کارگزاران مورد شناسایی و توجه خاصی قرار گرفته است و تحلیلگران با تشخیص نوع گفتمان حاکم بر دولت‌ها، به تحلیل و بررسی و مقایسه رفتار دولت‌ها می‌پردازند. از ویژگی‌های اصلی گفتمان، مفصل‌بندی، تعیین مکان و زبان، فضای رقابت و تخاصم و منازعات معنایی می‌باشد؛ برای این که اشیا و فعالیت‌ها در خور فهم باشند، باید به مثابه جزئی از یک چهارچوب گسترده‌تر معانی وجود داشته باشد و یا اینکه یک متن و بیان در چه مکان و زمانی حادث شده است، در شناخت گفتمان حائز اهمیت است.

در تحلیل گفتمان باید دال‌های اصلی را مورد توجه قرار داد. در این خصوص تکرار، مسئله مهم است. از این رو دال یا نشانه‌ای که بیشتر مورد تاکید باشد، نقش مهمتری دارد. ممکن است تاکید افراد و یا بازیگران روی یک دال یا نشانه، نشان‌دهنده اصلی بودن و یا مرکزی بودن آن دال باشد. البته باید توجه داشت که در تشخیص دال اصلی، معیار ما گفتمانی است. به طورکل به آن نشانه‌ای دال اصلی گفته می‌شود که دال‌های دیگر براساس آن تعریف شده باشند (Gee, 2000:96). شایان ذکر است که با توجه به اینکه متون مورد بررسی و توجه در یک موضوع که براساس تحلیل گفتمان مورد واکاوی قرار می‌گیرد، حجم زیادی را شامل می‌شود، ضرورتی برای آوردن این متون در رساله و تحقیق وجود ندارد. گفتمان‌های مختلف برای سازماندهی جامعه به شیوه خاص خودشان با هم به کشمکش بر می‌خیزند. گفتمان‌ها وقتی عینیت یافته به نظر می‌رسند که امکان تصور جایگزین برای خود را غیرممکن جلوه دهند و در نتیجه فضای حاکم بر رفتارهای ما بسیار طبیعی به نظر می‌رسد. مفهوم هژمونی در اینجا نقش پیدا می‌کند. ممکن است دیدگاه‌هایی که طبیعی به نظر می‌رسند، عینیت خود را از دست بدهند

و مورد چالش و نزاع قرار بگیرند و در مقابل گذار از نزاع سیاسی به عینیت نیز در شرایط مداخله هژمونیک ممکن می‌شود که طی آن یک دیدگاه خاص، طبیعی به نظر می‌رسد و غالب می‌شود. در واقع گفتمان‌ها صورت‌بندی مجموعه‌ای از کدها، اشیا، افراد و... هستند که پیرامون یک نقطه کانونی تثبیت شده و هویت خویش را در برابر مجموعه‌ای از دیگری‌ها به دست می‌آورند. گفتمان‌ها، تصور و فهم ما از واقعیت و جهان را شکل می‌دهند. بنابراین در اینجا می‌توان گفت؛ معنا و مفهوم انسان از واقعیت همواره گفتمانی است (Hosenzadeh, 2004: 189).

### ۲-۳. گفتمان و سیاست خارجی

به باور بسیاری از تحلیلگران، با توجه به گفتمان و نظام معنایی حاکم بر دولت‌ها، می‌توان به بررسی، شناخت و حتی پیش‌بینی رفتار و سیاست خارجی کشورها رسید. هر دولتی بر اساس یک ساختار معنایی تشکیل و به قدرت می‌رسد. از همین رو می‌توان با مطالعه و پژوهش در کلام و گفتار رهبران و پی بردن به معنای سخن آنان، به نظام و ساختار معنایی آنان پی برد و گفتمان آنان را مورد شناسایی قرار داد.

حیات اجتماعی و کردارهای سیاسی هر جامعه‌ای در چارچوب گفتمان سیاسی مسلط تعیین می‌یابد. هرگفتمانی شکل خاصی از زندگی سیاسی را متحقق می‌سازد و هویت و خود فهمی‌های فردی را به شیوه‌های ویژه‌ای تعریف می‌کند و برخی از امکانات زندگی سیاسی را متحقق و برخی دیگر را حذف می‌نماید. چون هر گفتمانی سیاسی‌ای حاوی اصول و قواعدی است که کردارهای سیاسی را متعین می‌سازد. تحول گفتمانی نیز لازمه تحول آن کردارهاست. ساختار سیاسی حوزه‌ای است که در پرتو گفتمان شکل می‌گیرد و با تغییر گفتمان‌ها، ساختارها دگرگون می‌شوند و از نو شکل می‌گیرند. از سوی دیگر استقرار و سلطه هر گفتمانی نیازمند پشتیبانی آن از جانب نیروها و قدرت‌های حامی آنهاست (Bashiriyeh, 2008: 63).

به طورکل دولت‌های جدید با روی کار آمدن خود، گفتمان جدیدی را در حوزه‌های مختلف حاکم می‌نمایند. این گفتمان متشکل از دال و مدلول‌هایی می‌باشد که در طول سال‌ها شکل گرفته است. حاصل این گفتمان‌ها که می‌تواند بخشی از گفتمان اصلی یک نظام سیاسی باشد، تأثیرهای بسزایی بر بخش‌های مختلف دارد. تأثیر گفتمان دولت بر عملکرد اقتصاد سیاسی زمانی نمایان

می‌شود که از یک روش تحلیل مناسب استفاده شود. برای بررسی این موضوع، رهیافت‌ها و روش‌های مختلفی وجود دارد. از آن‌رو که این رویکرد روش‌هایی را در اختیار محقق قرار می‌دهد تا به وسیله آنها بتواند گفتمان دولت را تحلیل کند، می‌تواند کمک شایانی به تحلیل و فهم موضوع مورد بررسی بنماید (Shirkhani and khoshgoftar, 2012:138).

بطور کل بعد از انقلاب اسلامی تاکنون گفتمان‌های مختلفی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم بوده است. اگرچه براساس بعضی از رویکردهای گفتمانی، عامل یا کارگزار انسانی خود در درون گفتمان تعریف می‌شود و در چهارچوب آن رفتار می‌کند، اما تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیانگر این واقعیت است که رؤسای جمهور نقش تعیین‌کننده‌ای در تدوین و تعریف گفتمان سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کنند (Dehghani Firozabadi, 2013:75). در این پژوهش سعی می‌شود گفتمان‌های دو دولت احمدی‌نژاد و روحانی مورد بررسی قرار گیرد و تاثیر آنها بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی بیان گردد.

### ۳-۳. گفتمان عدالت‌محور

محمود احمدی‌نژاد در مبارزات انتخاباتی سال ۸۴ و ۸۸ پیروز انتخابات ریاست جمهوری و برای دو دوره چهارساله یعنی دوره‌های نهم و دهم، رئیس جمهور ایران می‌گردد. دولت احمدی‌نژاد با ادعای توجه به عدالت و مهرورزی در نظام فکری و رفتاری، به تدوین سیاست‌هایی مبادرت ورزید که درصدد مبارزه با تبعیض‌ها و نابرابری‌ها بود. از این‌رو شاهد رفتاری تنش‌زا در عرصه روابط خارجی از سوی جمهوری اسلامی در دوران هشت ساله احمدی‌نژاد هستیم. سیاست‌هایی که نظم نظام بین‌الملل را تجویزی و تحمیلی تعریف می‌کند و درصدد تغییر آن بر می‌آید تا تعالی و آرامش نصیب همگان گردد. از همین رو شاهد هستیم که جمهوری اسلامی در این سال‌ها به عنوان کشوری که قوانین و نظم حاکم بر نظام بین‌الملل را قبول نداشته، شناخته می‌شود و در نهایت بخاطر مسله هسته‌ای مورد تحریم‌های چندگانه شورای امنیت قرار می‌گیرد.

بدون تردید، گفتمان احمدی‌نژاد مبنی بر گفتمان عدالت از دیگر گفتمان‌های اسلام‌گرائی به دلیل تفاوت قائل شدن در معنا و موقعیت نظم و نظام بین‌المللی است. از دیدگاه این گفتمان، نظم کنونی نظام بین‌الملل کاملاً ناعادلانه، غیرقانونی و نامطلوب است. یکی از مهمترین برنامه‌ها و اهداف سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد شرح و توضیح موقعیت و نظم ناعادلانه نظام جهانی است. بر همین اساس، احمدی‌نژاد محور اصلی و قانونی سخنرانی خود را در جلسه شصت و یکم مجمع عمومی سازمان ملل در ماه سپتامبر سال ۲۰۰۶، توصیف نظام ناعادلانه وضعیت بین‌المللی قرار داد (Tavana and Rahmani, 2016:59).

«عده‌ای به هم‌پیوسته و سازمان‌یافته که بر خلاف گرایش‌های فطری بشری، به خدای یکتا و راه پیامبران ایمان ندارند و هواهای خود را جای خدا نشانده‌اند. نزد آنان فقط قدرت و ثروت اصالت دارد و همه برنامه‌ها در خدمت کسب آن است و ملت‌های ضعیف در برابر آنان امیدی به استیفای حقوق قانونی خود ندارند. پیشرفت، رفاه و عزت خود را در نابودی، فقر و تحقیر دیگران جست‌وجو می‌کنند. خود را برتر از دیگران و صاحب امتیازات ویژه و انحصاری دانسته و برای دیگران ارزش و حقی قائل نیستند و به خود اجازه می‌دهند حقوق همه ملت‌ها و دولت‌ها را زیر پا بگذارند. به زور سلاح و سوءاستفاده از سازوکارهای بین‌المللی خود را همه کاره عالم و قیم دولت‌ها و ملت‌ها معرفی کرده و به سادگی قانون را در سطح بین‌المللی نقض می‌کنند. اصرار دارند شیوه زندگی و باورهای خود را به دیگران تحمیل کنند. با دخالت نظامی و تخریب زیرساخت‌های کشورها آنها را ضعیف و محتاج کرده و آنگاه با سوءاستفاده از این وضعیت ثروت‌شان را به تاراج می‌برند. با ایجاد اختلاف بین اقوام و ملت‌ها، تخم کینه و نفرت کاشته و با ایجاد فضای ناامنی و سوءظن فرصت رشد و شکوفایی را از آنان می‌گیرند. همه فرهنگ، هویت، جان و مال ملت‌ها، ارزش‌های انسانی و اخلاقی، زنان، جوانان و خانواده‌ها در جریان سلطه‌طلبی آنان و غارت منابع ملت‌ها قربانی می‌شوند.... باید با عزم عمومی و همکاری و مشارکت همگانی طرحی نو در انداخت. طرحی که بر اندیشه انسانی و فطری و ارزش‌های جهان‌شمول از جمله توحید، عدالت، آزادی، محبت و جست‌وجوی سعادت از طریق سعادت همگان استوار باشد ایده سازمان ملل یک دست‌آورد بزرگ و تاریخی جامعه بشری است. باید

آن را مهم دانست و از ظرفیت‌های آن حداکثر استفاده را کرد. نباید اجازه دهیم که سازمان ملل بیش از این از جایگاه اصلی خود یعنی محل تبلور اراده جمعی ملت‌ها تنزل کرده و به ابزاری برای قدرت‌های جهانی بدل شود. برای تامین صلح و امنیت پایدار باید زمینه دخالت و مشارکت همگانی را از طریق سازوکارهای عادلانه فراهم کنیم. باید به معنای واقعی کلمه، مدیریت مشترک جهانی را تحقق بخشیم. قوانین و قواعد مسلم حقوق بین‌المللی و صلح، آزادی و عدالت باید مبنای اصلی تصمیمات و اقدامات جهانی باشد. هر کدام از ما باید به این حقیقت اذعان کنیم که هیچ راهی جز «مشارکت همگانی در مدیریت جهانی» برای رفع نابسامانی‌ها و دفع ظلم و نفی تبعیض وجود ندارد. این تنها راه سعادت جامعه بشری و حقیقتی روشن و اجتناب‌ناپذیر است (Ahmadi Nezhad, 2011).

### ۳-۳-۱. دال عدالت محوری

با مروری گذرا به بیانات احمدی‌نژاد؛ استفاده از واژه عدالت و عدالت‌گستری، مقابله با نابرابری و تبعیض و حمایت از فقرا و مستضعفین و آوردن پول نفت بر سفره مردم بسیار دیده می‌شود. احمدی‌نژاد عدالت را به عنوان شعار اصلی و محور برنامه‌هایش اعلام کرد. عدالت را نه تنها به گفتمان بنیادگرایانه در سیاست داخلی تأکید می‌کند، بلکه مرکز محرک و تمرکز بیان و شناسایی در سیاست خارجی است. بنابراین عدالت، اساس سیاست خارجی حکومت احمدی‌نژاد در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی است. در دیدار سفیران و رؤسای نمایندگان جمهوری اسلامی در خارج از کشور در دوم ماه اوت سال ۲۰۰۷ به صراحت، عدالت را به عنوان یکی از پایه‌ها و اصول سه‌گانه عنوان می‌کند که کلیه سیاست‌های جمهوری اسلامی باید با توجه به آنها طراحی و اجرا شود و در اختیار جامعه جهانی قرار گیرد (Tavana and Rahmani, 2016:58). محمود احمدی‌نژاد همواره استفاده از دال متعالی عدالت را در سیاست خارجی و سخنرانی‌های بین‌الملل خود ادامه می‌دهد و در راهبردهای بنیادین سیاست خارجی دوران خود از این دال بهره بسزایی می‌برد؛ تأکید وی بر عدالت‌گستری در بیشتر نشست‌ها و جلساتی که که سفیران و نمایندگان سایر دول و یا سخنرانی‌های چندین باره وی در مجمع عمومی سالانه سازمان ملل و اصرار بر ناعدالتی در وضع نظام کنونی بین‌المللی و حتی گسترش ارتباط با کشورهای ضعیف، از نمونه‌های



بارز استفاده احمدی‌نژاد و حتی عملیاتی نمودن واژه عدالت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. گفتمان عدالت‌محور، نگاه و باوری ثنویت‌گونه به نظام هستی دارد. اینکه تمام امور دنیا، یا در قطب خیر و خوبی قرار دارند و یا اینکه در قطب شر و بدی قرار دارند. بر این اساس انسان‌ها و حتی بازیگران و کشورها در دو جبهه حق و باطل قرار دارند و بر این اساس یا پیرو راه خداوند می‌باشند و یا پیرو راه شیاطینند. «همه مشکلات بشر در طول تاریخ به‌خاطر این است که قدرت‌هایی خود را از ولایت الهی خارج کرده‌اند و کسی که از ولایت خدا خارج شود، تحت ولایت شیطان خواهد بود» (Hadad, 2015: 53).

از سویی دیگر براساس نظریه نظام سیاسی در این گفتمان، دولت نه تنها ماهیت سکولار و عرفی ندارد بلکه از سرشتی کاملاً دینی و اسلامی برخوردار است. دولت اسلامی، دولتی است که قضاوت، قانون‌گذاری و اجرای امور براساس موازین و احکام اسلامی-شیعی را وظیفه و تکلیف شرعی خود می‌داند و مجریان و رهبران دولت اسلامی نیز آگاهی و شناخت کامل از این اصول، مبانی و قوانین اسلامی در چارچوب شرع مقدس اسلام عمل می‌کند (khatami, 2006: 4).

از دیگر ویژگی‌های این گفتمان این است که نظم کنونی نظام بین‌الملل را نظم مورد تایید نظام معنایی خود نمی‌داند و آن را از اساس باطل می‌داند. به باور این گفتمان نظم کنونی، تعالی بشریت را بدنبال نداشته و تنها موجب برتری نظام سرمایه‌داری بر جهان می‌شود. گفتمان عدالت‌محور که نقطه ثقل آن دال متعالی عدالت است، تلاش دارد به تمام ملت‌ها نشان دهد که نظم کنونی نظام بین‌الملل ناعادلانه است. نظمی که ارمغانش تنها بی‌عدالتی، نابرابری، ظلم و تبعیض به بشریت است.

ایران در دوره اصولگرایی تلاش کرد تا هسته‌ی مرکزی قدرت‌های استکباری را در روابط بین‌الملل به چالش بکشد تا به حذف کامل هر نوع استعمار، مطلق‌گرایی و امپریالیسم نائل آید. استراتژی ضدغربی و ضدامریکایی ایران در این دوره از بستر هنجارهای ضد سلطه نشأت می‌گیرد (Dehghani Firozabadi, 2008: 12). احمدی‌نژاد در اولین سفر خود به غرب اروپا در تاریخ ۲ ژوئن ۲۰۰۸ پس از حمله به اسرائیل قبل از خروج از رم گفت: «اسرائیل به زودی از

نقشه جهان حذف و امریکا این قدرت شیطنانی نابود می‌شود»، او افزود: «این اتفاق خواهد افتاد یا ما در آن دخیل هستیم یا نه» (Hussein, 2008:5).

در دوران احمدی‌نژاد، ما شاهد سیاست خارجی "تهاجمی" بودیم. احمدی‌نژاد فکر می‌کرد، تنها راه برای حفظ غرور ملی و منافع ملی اجتناب از امتیازات و ایستادن علیه تهدیدات به خصوص در اولین دوره ریاست جمهوری که از حمایت رهبر و قدرت نظامی سپاه پاسداران نیز برخوردار بود. به این ترتیب او یک سیاست دولتی براساس امنیت و "مقاومت" در برابر تهدیدات داخلی و خارجی را اتخاذ کرد. این سیاست تهاجمی، ایران را با واکنش‌های شدید روبه‌رو کرد و منجر شد ایران به طور فزاینده‌ای در معرض سیستم بین‌المللی قرار گیرد. تلاش برای بازسازی اقتصاد از طریق سیاست‌های پولیستی انجام شد، کمک‌های مالی توزیع شده از طریق نفت، انرژی و غذاهای اصلی که در طول دوره بازسازی کاهش قابل توجه‌ای یافت بود، در این دوره سیستمی بر اساس توزیع مستقیم پول به فقرا شکل گرفت. با این حال، اختلاف بین ایران و قدرت‌های غربی در مسئله هسته‌ای منجر به اجرای تحریم شدید علیه ایران توسط سازمان ملل متحد و ایالات متحده امریکا شد که ایران را محاصره و رابطه کشور را با نظام اقتصادی جهانی قطع کرد (Arkan, 2014:2).

#### ۳-۴. گفتمان اعتدال

اعتدال به معنای ایجاد توازن میان آرمان و واقعیت در مسیر جهت دادن واقعیات به سمت آرمان‌هاست. گفتمان اعتدال در سیاست خارجی دولت روحانی حرکت واقع‌بینانه، خودباورانه، متوازن و هوشمندانه از تقابل به گفتگو، تعامل سازنده و تفاهم به منظور ارتقای جایگاه، منزلت، امنیت و توسعه کشور می‌باشد. واقع‌بینی و خودباوری دو مولفه و عنصر اصلی شکل‌دهنده گفتمان اعتدال بشمار می‌آیند. واقع‌بینی به معنای شناخت نظام بین‌الملل، ماهیت ساختار و روابط قدرت و محدودیت و امکان‌زایی آن، باور به آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی، توانمندی‌ها و محدودیت‌های ملی و پرهیز از تحقیر، تخفیف و یا بزرگ‌نمایی دیگران می‌باشد و از این رهگذر خودباوری به معنای اتکا به توانمندی‌های مادی و معنایی کشور، عقلانیت و خرد جمعی، طراحی، تدبیر و ابتکار عمل در سیاست خارجی، استقامت در پاسداری از ارزش‌ها، منافع و

آرمان‌ها، صلح‌طلبی و عدالت‌خواهی و همچنین صداقت، پاسخگویی و اصلاح‌پذیری در سطح ملی ارزیابی می‌شود.

پیروزی حسن روحانی در ۲۴ خرداد ۹۲ موجب تغییر و دگرگونی در گفتمان و نظام معنایی دولت گردید. دولت تدبیر و امید با اتخاذ گفتمان اعتدال، تغییرات بنیادی و اساسی‌ای را در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... را نسبت به دولت احمدی‌نژاد، بر ارکان و ساختار قدرت نظام جمهوری اسلامی منجر گردید و از جوانب گوناگون رفتار و حتی نگاه سیاستمداران و اندیشمندان و سرمایه‌گذاران را به ایران و ایرانی تغییر داد. به‌طورکلی همواره تغییر دولت در ساختار یک نظام، تغییرگفتمان سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را نیز به‌همراه داشته و دول جدید با نگاه و رویکردی جدید به اتخاذ تصمیم‌ها و اجرای برنامه‌های خود مبادرت می‌ورزند. گفتمان‌های دولت موسوی، هاشمی، خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی با یکدیگر متفاوت است و در نتیجه رویکرد و راهبرد سیاست‌خارجی این دولت‌ها نیز متفاوت است. در بیانی خلاصه ظهور گفتمان‌های مختلف و متفاوت، فرایندی طبیعی و واقعی در جوامع بوده و بنا بر مقتضیات زمان و مکان، شاهد حضور گفتمانی غالب در جامعه هستیم که رفتار بازیگران را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. دولت روحانی بر پایه گفتمان اعتدال، علی‌رغم انتقادات وارده به ساختار نظام بین‌الملل، تلاش نمود نگاهی واقع‌بینانه را بر دیپلماسی جمهوری اسلامی حاکم نماید و ایران را به عنوان بازیگری عاقل و خردمند در عرصه روابط بین‌الملل معرفی نماید. روحانی با انتخاب تیم و کادری مجرب در حوزه روابط بین‌الملل، درصدد است بیشترین بهره را علی‌رغم محدودیت‌های موجود، برای کشور کسب نماید. به باور این دولت با اتخاذ سیاست تنش‌زدایی و تعامل موثر و سازنده با نظام بین‌الملل و پذیرش نسبی ساختار موجود، می‌توان به دست‌آوردهای قابل‌قبولی رسید در اینجا به بخشی از سخنان حسن روحانی در شصت و هشتمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد اشاره می‌کنیم. «مردم ایران در انتخابات اخیر در حرکتی هوشمندانه به گفتمان امید و تدبیر و اعتدال رأی دادند. ترکیب امید و تدبیر و اعتدال در سیاست‌خارجی به آن معناست که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای نسبت به امنیت منطقه و جهان، مسئولانه برخورد می‌کند و آمادگی همکاری چندجانبه و همه‌جانبه با سایر بازیگران مسئول در این

عرصه‌ها را دارد. ما از صلح مبتنی بر دموکراسی و صندوق رأی در همه جای جهان از جمله در سوریه و بحرین و دیگر کشورهای منطقه دفاع می‌کنیم و معتقدیم راه‌های خشونت‌آمیز برای بحران‌های جهانی وجود ندارد و تنها به کمک خرد انسانی و با تعامل و اعتدال می‌توان بر واقعیت‌های تلخ جامعه بشری غلبه کرد. لذا تضمین صلح و دموکراسی و تأمین منافع مشروع همه کشورهای در جهان و از جمله در منطقه خاورمیانه، با نظامی‌گری محقق نمی‌شود. ایران به دنبال راه‌حل مسائل و نه تولید مشکلات است. هیچ پرونده و موضوعی نیست که با امید و اعتدال، با احترام متقابل و با نفی خشونت و افراط قابل حل نباشد» (Rohani, 2013).

#### ۳-۴-۱. دال مرکزی گفتمان اعتدال

براساس معنا و مفهوم اعتدال، دال مرکزی و متعالی گفتمان اعتدال که عناصر و دقایق آن نیز حول آن معنا و مفصل‌بندی می‌شوند را می‌توان «تعالی و توازن» تعیین و تعریف کرد (Dehghani Firozabadi, 2013: 73). منظور از توازن و تعادل در اهداف سیاست خارجی، توجه همزمان به آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در اهداف سیاست خارجی ج.ا.ا. در نظام منطقه و بین‌المللی است. به بیانی گفتمان اعتدال در تلاش است تا هم مصالح جامعه اسلامی و هم منافع ملی را مورد توجه قرار دهد. دولت روحانی در تلاش بود تا با اتکا به عناصر قدرت ملی و اسلامی، در روابط خارجی خود به سه اصل بنیادی عزت، حکمت و مصلحت برسد.

گفتمان اعتدال درصدد است بین آرمان‌های اسلامی و انقلابی جمهوری اسلامی از یکسو و واقعیت‌ها و محذورات نظام بین‌الملل تعادل و توازنی ایجاد کند. از همین روست که این دولت را یک دولت آرمان‌گرای واقع‌گرا نیز نامیده‌اند. در خصوص اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز، دولت اعتدال درصدد است با توجه با ماهیت دینی و انقلابی، نوعی توازن بین اهداف ملی و اهداف فراملی برقرار سازد. دولت اعتدال تلاش می‌کند برای تأمین اهداف و منافع ملی به طور متوازن و متناسب از همه عناصر قدرت ملی بهره‌گیری شود. توازن و تعادل در ساختار سیاست خارجی از دیگر اولویت‌های دولت اعتدال است. براین اساس سعی می‌شود حدود اختیارات، وظایف و جایگاه هر یک از مراکز و نهادهای متعدد و مختلفی که در فرایند تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دخیل هستند، تعیین و تعریف

شود. به بیانی اساس و چارچوب گفتمان اعتدال‌گرایی بر تعامل و همکاری با کشورهای منطقه و جهان استوار می‌باشد.

#### ۳-۴. عناصر و دقایق گفتمان اعتدال

بر مبنای دال مرکزی در گفتمان اعتدال که همان تعادل و توازن در سیاست خارجی است، عناصر و دقایق آن را می‌توان در عقل‌گرایی و خردورزی، واقع‌بینی و واقع‌گرایی فعال، تحول‌گرایی، تعامل‌گرایی موثر و سازنده، توسعه‌گرایی متوازن، امنیت‌طلبی، منزلت‌طلبی، صلح‌طلبی مثبت، عدالت‌گرایی، کمال‌گرایی، چندجانبه‌گرایی متوازن مشاهده کرد. رهبران معتدل‌تر ایران، استدلال می‌کنند که ایران نباید "دشمنان دائمی" داشته باشد. آنها معتقدند که یک سیاست خارجی عملی، منجر به کاهش تحریم‌های بین‌المللی تحت (JCPOA)\*، افزایش توجه جهانی به دیدگاه‌های ایران و توجه به پروژه‌های جدید که می‌تواند ایران را به عنوان مرکز تجارت و حمل‌ونقل در منطقه قرار دهد. روحانی گفت که (JCPOA) آغاز یک فضای دوستی و همکاری با کشورهای مختلف است. پراگماتیست‌ها که معمولاً از جانب جوانان و روشنفکران ایرانی حمایت می‌شوند، می‌گویند: می‌خواهیم ادغام بیشتری با جامعه بین‌المللی داشته باشیم و به نامزدهای طرفدار روحانی در انتخابات مجلس ۲۶ فوریه ۲۰۱۶ رای دهیم (Katzman, 2016:7).

#### ۴. یافته‌های تحقیق

##### ۴-۱. سیاست خارجی دولت حسن روحانی

برخلاف چشم‌انداز لیبرال-عملگرایانه محمد خاتمی و موضع ایدئولوژیک-پوپولیستی محمود احمدی‌نژاد، حسن روحانی، رئیس‌جمهور جدید منتخب ایران، به دنبال دستور کار اعتدال-عملگرا است. مبارزات انتخاباتی او بیانگر این بود که ایران باید در مذاکرات جدی با دنیای غرب شرکت کند، درگیری‌های منطقه‌ای را کاهش دهد و اولویت بخشیدن به بهبود اقتصادی و رفاه عمومی‌اش را بالاتر از برنامه هسته‌ای خود قرار دهد. پایان موفقیت‌آمیز منازعه هسته‌ای بر

---

\*-(Joint Comprehensive Plan of Action)، برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام. در راستای توافق جامع بر سر برنامه هسته‌ای ایران و به دنبال تفاهم هسته‌ای لوزان، در سه‌شنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) در وین اتریش بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۵+۱ (شامل چین، فرانسه، روسیه، پادشاهی متحد بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و آلمان) منعقد شد.

توانایی او با ما برای متقاعد کردن کنگره و کسانی که با روابط نزدیک ایالات متحده و ایران مخالفت می‌کنند، تکیه می‌کند که رژیم تحریم‌های در حال افزایش و تهدیدات نیروی نظامی منجر به حل مسالمت‌آمیز مسایل نخواهد شد. در واقع، ایران و ایالات متحده علایق دوجانبه به حفظ ثبات در عراق و افغانستان دارند، در حالی که با یکدیگر کار می‌کنند تا مانع نفوذ القاعده و طالبان شوند. ما استدلال می‌کنیم که ریاست جمهوری روحانی فرصتی برای تغییر در سیاست خارجی ایران و سیاست ایالات متحده در قبال ایران است (Monshipour and Dorraj, 2018:1)

با پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۲ گفتمان حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از اصولگرایی عدالت‌محور در دولت قبل به آرمان‌خواهی واقع‌گرایانه و به بیانی گفتمان اعتدال تغییر یافت و بر این اساس سیاست خارجی نظام نیز دچار تحول اساسی شده است. در واقع سیاست خارجی ایران از حالت تقابلی-تهاجمی در دولت قبل به حالت تفاهمی-تعاملی در دولت جدید تغییر جهت یافته و حل معمای هسته‌ای به عنوان یکی از طولانی‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل سیاست ایران در سال‌های گذشته در صدر اولویت‌های کاری دولت روحانی قرار گرفت است (Niyakoei, 2016:188). حسن روحانی، رئیس‌جمهور فعلی ایران، با وعده انتخاباتی ارائه یک آینده اقتصادی بهتر برای ایرانیان انتخاب شد. برای انجام این کار او نیاز به پایان انزوای بین‌المللی منطقه‌ای ایران دارد. این مسأله نسبت به رئیس‌جمهور پیشین (محمود احمدی‌نژاد) به نفع روحانی است. اما پیشرفت واقعی او نیازمند یک معاهده هسته‌ای با ایالات متحده و نزدیک شدن به همسایگان بدبین خلیج فارس است. تجربه او به عنوان یک خودی در نظام جمهوری اسلامی، رویکرد کمتر مواجهه‌گرایانه او و درک او از مسائل بین‌المللی به این معنی است که او ممکن است بر خلاف تلاش‌های پیشین ایرانیان برای عادی‌سازی روابط ایران و جهان موفق شود (Rodger, 2015:1).

مسئولان جدید استدلال می‌کنند که تنها راه برای رسیدن به وضعیت مطلوب جمهوری اسلامی این است که خود را بعنوان یک بازیگر معقول‌تر در حالی که قدرت خود را افزایش می‌دهد، نشان دهد. چنین ایرانی باید برخی محدودیت‌ها را برای نفوذ خود اعمال کند، به هنجارهای

جهانی خاصی ملحق شود و آماده مذاکره درباره قراردادهای قابل قبول با مخالفان خود باشد (Takeyh, 2006:2).

روحانی در تلاش است با بهره‌گیری از دیپلماسی هوشمندانه و مبتنی بر نگاه واقع‌بینانه، منافع ملی و فراملی کشور را تامین نماید. به باور وی برای رفتار در عرصه نظام بین‌الملل باید به واقعیت‌های آن توجه نمود و با رویکردی مبتنی بر عقلانیت، کمترین هزینه‌ها را از طریق مذاکره و تعاملی سازنده تحمیل کرد. بر همین اساس به مذاکرات چندجانبه و حتی دوجانبه با قدرت‌های غربی پرداخت و ضمن رعایت قوانین بین‌المللی و توجه به منافع ملی، به توافق هسته‌ای و لغو تحریم‌ها و قطعنامه‌های شورای امنیت دست یافت.

در اوت ۲۰۱۳، یک اصلاح‌طلب دیگر به نام حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران شد. دلایل انتخاب او تا حد زیادی شبیه به انتخاب محمد خاتمی رئیس‌جمهور پیشین ایران است. روحانی در حال حاضر به عنوان یک نجات‌دهنده شناخته می‌شود. جمهوری اسلامی ایران خواهان برقراری روابط خوب و نزدیک با همسایگان خود و کشورهای غربی، همچنین رفع مشکلات اقتصادی است. روحانی همچنین اعلام کرده است که ایران حق غنی‌سازی اورانیوم را دارد، اما این کشور آماده است تا اختلاف‌نظرها را حل کند (Salehzadeh, 2013:5).

#### ۱-۱-۴. اهداف و اولویت‌های راهبردی

برخی معتقد و بر این باور هستند که نظام‌های منطقه‌ای می‌تواند کلیت نظام بین‌الملل را متأثر سازد. به دنبال تغییرات در سطح جهانی، امروزه برخی نقش تحولات سیاسی - قدرت در سطح منطقه‌ای را در شکل‌دهی به ترتیبات چندقطبی در سطح جهانی کلیدی می‌دانند زیرا مناطق، فضای طبیعی برای بازتولید قدرت‌های بزرگ فراهم می‌کند (Salimi and et al, 2017:12). دولت روحانی بر همین اساس درصدد بود از پتانسیل‌های منطقه‌ای جهت افزایش نقش خود در منطقه و حتی نظام بین‌الملل بهره‌بردار.

#### ۲-۱-۴. رویکرد کلان سیاست خارجی دولت اعتدال

رویکرد کلان سیاست خارجی دولت روحانی، مبتنی بر تفاهم و اجماع در سطح ملی، اعتدال‌گرایی و همکاری در روابط خارجی براساس رویکرد عزت، حکمت، مصلحت و تعامل

سازنده و مؤثر قرارداد دارد. به بیانی گفتمان دولت اعتدال به راهبردهای ذیل برای سیاست خارجی توجه دارد:

- تفاهم و اجماع در سطح ملی
- تاکید بر انسجام و نگاه به آینده
- مشارکت فعال و تعامل سازنده و مؤثر براساس دیپلماسی برد-برد
- اعتلای اسلام شیعی و ارتقای هویت ایرانی

بر همین اساس دولت روحانی درصدد برآمد تا نگاه امنیتی و تهدیدزا نظام بین‌الملل در ارتباط ج.ا.ا را از طریق گفتمان و تعامل سازنده و تقویت روابط اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و دیپلماسی دوگانه و یا چندگانه با کشورهای منطقه و نظام بین‌الملل خنثی سازد.

#### ۳-۱-۴. محورهای سیاست خارجی دولت روحانی

##### ۳-۱-۴.۱. خنثی ساختن نگاه امنیتی و تهدیدزا از ایران

از اصول اصلی و بنیادی سیاست خارجی دولت روحانی خنثی ساختن نگاه امنیتی و تهدیدزا از ایران بود. دولت اعتدال از طریق تلاش در راستای اعتمادسازی، توجه به روابط مبتنی بر تنش‌زدایی، تعامل سازنده با کشورهای منطقه و نظام بین‌الملل تنها درصدد خنثی ساختن نگاه امنیتی و تهدیدزا از ایران بود، بلکه تلاش داشت تصویری صلح‌طلب، اقتصادی، فرهنگی و مؤثر از ج.ا.ا در منطقه و نظام بین‌الملل نشان دهد تا از این طریق تحریم‌های چندگانه شورای امنیت سازمان ملل را خنثی سازد. در نهایت نیز توانست با انجام مذاکرات و نشست‌های متعدد، نظام بین‌الملل را به این امر برساند و با امضای توافق هسته‌ای مبتنی بر برجام، ایران را از بازیگری امنیتی و تهدیدزا دور سازد و ج.ا.ا را به عنوان بازیگری تعامل‌گرا، خردمند و صلح‌طلب به نظام بین‌الملل معرفی نماید.

##### ۳-۱-۴.۲. خروج پرونده هسته‌ای ج.ا.ا از شورای امنیت سازمان ملل و حل مسئله هسته‌ای

به زعم اغلب تحلیلگران مسئله هسته‌ای ج.ا.ا از مهمترین مسله‌های دهه اخیر سیاست خارجی ایران بود. دولت روحانی با وعده حل موضوع هسته‌ای توانست پیروز انتخابات ریاست جمهوری شود. تیم مذاکره‌کننده دولت روحانی با رهبری وزیر امور خارجه، به انجام مذاکرات متعدد با



کشورهای غربی اهتمام ورزید و در نهایت بعد از توافق مبتنی بر لوزان، توانست به توافق نهایی هسته‌ای موسوم به برجام برسد و بر این اساس تحریم‌های هسته‌ای ایران لغو و بهبود روابط ج.ا.ا با کشورهای منطقه و بین‌الملل را شاهد هستیم. روحانی تاکید داشت تمام تلاش دولتش، ضمن حفظ حقوق مردم ایران، حل مسئله هسته‌ای ج.ا.ا است تا از این طریق ضمن رفع نگرانی‌های نظام بین‌الملل، تحریم‌های شورای امنیت لغو و گشایشی در رباط سیاسی و اقتصادی ایران با نظام بین‌الملل بوجود آید. به بیانی روحانی تلاش نمود تا براساس پشتوانه رای و خواست مردم، از طریق مذاکره و تعامل، تحریم‌ها را لغو و نگاه دولت‌های غربی را به رفتار مبتنی بر چارچوب جمهوری اسلامی جلب نماید. برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، توافق بین‌المللی بر سر برنامه هسته‌ای ایران بود که در تاریخ سه شنبه ۲۳ تیر ماه ۱۳۹۴ (برابر با ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) میان ایران و کشورهای گروه ۱+۵ (آمریکا، روسیه، چین، فرانسه، انگلیس و آلمان) در شهر وین امضا شد. مذاکرات طولانی مدت میان ایران و شش قدرت جهانی برای دستیابی طرفین به برجام، همزمان با توافق موقت ژنو در نوامبر ۲۰۱۳ آغاز شد. پس از توافق ژنو، دو طرف مذاکرات را به مدت ۲۰ ماه ادامه دادند تا سرانجام در آوریل ۲۰۱۵ به تفاهم لوزان به عنوان چارچوبی برای توافق وین دست یافتند (Salmani Jolodar and et al, 2020: 173).

۴-۳-۱. بهبود و گسترش رابطه با اروپا

حسن روحانی همواره و در زمانی دبیر شورای امنیت بود، توجه خاصی به گسترش روابط با دول غربی داشت. بعد از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری نیز بر این امر تاکید داشت تا از یک طرف با اتخاذ دیپلماسی فعال دول غربی را مجاب به لغو تحریم‌های شورای امنیت نماید و از سویی دیگر بتواند از ظرفیت‌های اقتصادی روابط با اروپا برای گسترش روابط و توسعه ایران بهره ببرد و در نهایت به انحصار روابط ایران با برخی از کشورها همچون چین پایان دهد. بعد از امضای برجام نیز شاهد گسترش این روابط و حضور شرکت‌های اروپایی در ایران هستیم. تجربه آقای روحانی به عنوان دبیر عالی شورای امنیت ملی نشان می‌دهد که ایشان اعتبار خاصی برای روابط با کشورهای اروپایی قائل هستند. اهمیت اروپا در چارچوب تفکر و سیاست خارجی آقای روحانی به دلایل متعددی است. اول اینکه اصولاً اروپایی‌ها به

نسبت آمریکا موضع نرم‌تری در قبال موضوعات مرتبط با ایران اتخاذ می‌کنند که از این موضوع می‌توان در راستای منافع ملی و ایجاد شکاف در روابط یورآتلانتیک استفاده کرد. در این زمینه تجربه آقای روحانی در چارچوب بحث هسته‌ای نشان می‌دهد که ایشان با آگاهی از این موضوع، به خوبی از اختلافات اروپا و آمریکا استفاده نمودند. ضمن اینکه یکی از انتقادات آقای روحانی به سیاست‌های دولت پیشین، نادیده گرفتن اروپا و عملاً نزدیک نمودن اروپا به آمریکا با توسل به سیاست تنش‌زا و تهاجمی بوده است. مسئله بعدی موضوع اقتصادی، سرمایه‌ای و تکنولوژیکی است. آقای روحانی با آگاهی از نیازهای کشور در حوزه اقتصادی، اتحادیه اروپا را به عنوان پدیده‌ای اقتصادی در نظر می‌گیرند که می‌توان با اتخاذ دیپلماسی فعال در چارچوب تعامل سازنده، از ظرفیت‌های اقتصادی آن برای توسعه سریع ایران استفاده نمود. ضمن اینکه گسترش روابط با اتحادیه اروپا می‌تواند به روابط اقتصادی ایران تنوعی دهد و ایران را از انحصار اقتصادی برخی از کشورها همچون چین رها سازد. همچنین بهبود روابط با کشورهای اروپایی در برداشتن تحریم‌ها موثر خواهد بود، چرا که بسیاری از محدودیت‌هایی که بر ایران اعمال می‌شود در چارچوب مصوبات سازمان ملل و شورای امنیت نیست (Rezai and Torabi, 2013:153).

۴-۱-۳-۴. بهبود و گسترش روابط با همسایگان

در راهبرد «سیاست خارجی برای ارتقای جایگاه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در شرایط جدید بین‌المللی» بیان می‌شود که برای تحقق اهداف چشم انداز، دولت نیازمند ایجاد ثبات و آرامش در منطقه آشوب‌زده خاورمیانه و نقش‌پذیری فعال در همکاری‌های اقتصادی و تجاری منطقه‌ای و بین‌المللی با جمهوری اسلامی ایران است (Naghdi and et al, 2020:14). روحانی همواره از تنش روابط ایران با همسایگان ناراضی بود و در سخنانی‌ها و مواضع خود، عملکرد دولت احمدی‌نژاد را مورد نقد قرار می‌داد و بر این باور بود که عملکرد دولت پیشین تنش‌زا بوده و ایران بجای توجه و گسترش روابط با همسایگان، به گسترش روابط با کشورهای آمریکای لاتین تمرکز داشت و این بی‌توجهی به بازیگران منطقه‌ای اشتباهی بزرگ است. بر همین اساس سیاست خارجی خود را مبتنی بر توجه و گسترش روابط با همسایگان قرار داد.

روحانی در حال تلاش برای گسترش روابط تجاری با شورای همکاری خلیج فارس است. امارات متحده عربی پنجره ایران به مسیرهای تجاری جهانی است، دبی به عنوان دروازه ایران به جهان عمل می‌کند و فرصت‌های اقتصادی مهمی در زمینه خدمات برای مبادلات تجاری در خارج از ایران و بین مردم را فرام آورده است. این یک ستون بحرانی سیاست خارجی منطقه‌ای روحانی است. با این حال، تنش‌ها با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس چالشی برای روحانی بوده است، در عین حال افزایش تقسیمات درون شورای همکاری خلیج فارس در رابطه با جمهوری اسلامی ایران تنها کشور برای حفظ روابط دیپلماتیک با ایران بوده است، در حالی که عربستان سعودی و بحرین روابط دیپلماتیک را قطع کرده‌اند و کویت، امارات متحده عربی و قطر روابط خود را کاهش داده‌اند (Iran's Politics and Foreign Policy, 2016:9). البته روابط ایران و عربستان سعودی بر روی رقابت و نه همکاری قرار گرفته است و درگیری بین آنها به یک بازی صفر کاهش یافته است. در عرصه بین‌المللی، عربستان سعودی نگران ادغام ایران در اقتصاد جهانی است و در عرصه منطقه‌ای، تحت تاثیر اقدامات ایران در سوریه، عراق، لبنان، یمن و بحرین خود را محاصره شده می‌بیند. عربستان سعودی در مقابل دنیای سنی‌ها احساس مسئولیت می‌کند و به طور آگاهانه تصمیم گرفته است که با محور مقاومت به اصطلاح ایران مبارزه کند. این تغییر با ظهور رهبری جدید در ریاض تشدید شده است. نیت‌های منطقه‌ای ایران منجر به ادامه گمانه‌زنی و سوء تفاهم در مورد تنش‌های موجود بین ایران و شورای همکاری خلیج فارس شده است (Iran's Politics and Foreign Policy, 2016:11).

به بیانی می‌توان گفت نوسان در روابط ایران و عربستان، متأثر از نوسان در سرمایه اجتماعی آنها بوده است. به عبارت دیگر یافته هر زمان سرمایه اجتماعی بین‌المللی دو کشور به طور همزمان شروع به رشد کرده، روابط آنها از حالت تنش خارج شده و به سمت روابط دوستانه و همکاری سوق پیدا کرده است. این گزاره‌ها به وضوح حکایت از آن دارند که همبستگی معناداری میان سرمایه اجتماعی بین‌المللی و روابط ایران و عربستان در سال‌های پس از انقلاب اسلامی وجود داشته است (Khalili and Mehraban, 2019:139).

## ۴-۱-۳-۵. برقراری تعادل و توازن در روابط خارجی

یکی از مهم‌ترین محورهای انتقاد کارشناسان از سیاست خارجی دولت پیشین، رابطه نامتوازن با چین در چارچوب سیاست خارجی نگاه به شرق است. در این راستا، بسیاری بر این باورند که طی چند سال گذشته، رابطه ایران و چین از دایره توازن خارج شده است و دولت چین با استفاده از شرایط بین‌المللی متشنج ایران، عملاً در حال بهره‌برداری یک‌جانبه از ایران است. در این زمینه به گسترش واردات گسترده از چین اشاره می‌شود که بخشی از تولید داخلی ایران را از بین برده و سایرین را تحت فشار گذاشته است. همچنین به قراردادهای یک‌جانبه اقتصادی بین دو کشور اشاره می‌شود که طی آنها دولت چین امتیازات گسترده‌ای از ایران گرفته است. ضمن اینکه دولت و شرکت‌های چینی علی‌رغم انتقادات به موضع آمریکا، عملاً با تحریم‌های یک‌جانبه همراهی کرده‌اند و آن گونه که ایران انتظار داشته و دارد عمل نمی‌کنند. در این راستا انتقاد از رابطه نامتوازن با چین یکی از محورهای انتقاد کارشناسان از سیاست خارجی دولت پیشین و همچنین یکی از محورهای مورد اجماع کاندیداهای ریاست جمهوری از جمله آقای روحانی بود. آقای روحانی پس از انتخابات نیز یک بار دیگر به این موضوع اشاره نمودند و در پاسخ به سوالی در این رابطه بیان داشتند: «در رابطه با چین نکاتی وجود دارد» (Rezai and Torabi, 2013:155). بر همین اساس دولت اعتدال بر این باور بود تا با انجام تعادل در روابط خارجی، مانع بهره‌برداری یک‌جانبه سایر بازیگران از ایران گردد:

## ۵. تجزیه و تحلیل

گفتمان و ساختار معنایی یک دولت، همواره نقش مهمی را بر سیاست خارجی آن داشته است. رفتار و سیاست خارجی دولت روحانی را می‌توان با توجه به گفتمان اعتدال و تفاوت‌های بنیادین آن با گفتمان دولت احمدی‌نژاد، مورد تحقیق و پژوهش قرار داد. گفتمان عدالت‌محور با دال محوری عدالت، درصدد بود به احیا نقش عدالت در تحولات جهانی بپردازد و با به چالش کشیدن هنجارهای (به زعم خود) ناعادلانه نظام بین‌الملل، به روند متوازن ساختن حق و تکلیف در عرصه سیاست بین‌الملل کمک نماید. از این رو با تاکید و حق دانستن باورهای دینی و انقلابی

خود، رویکرد تهاجمی و مقابله جویانه‌ای را در عرصه سیاست خارجی برای جمهوری اسلامی به ارمغان می‌آورد. نتیجه چنین نظام معنایی برای ایران در عرصه سیاست خارجی، بازگشت به اصول انقلابی در سیاست خارجی، ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت و صدور قطعنامه‌های چندگانه و تحریم ایران، دشمنی با ایالات متحده و رژیم صهیونیستی، حمایت از جنبش و فعالیت‌های آزادی‌بخش، نگاه به شرق برای جایگزینی غرب، نگاه جنوب-جنوب جهت تشکیل یک جبهه ضد امپریالستی جدید از یک سو و نزدیکی به حیات خلوت امریکا از سوی دیگر است.

این درحالی است که تلاش قدرت‌های منطقه‌ای برای خنثی‌سازی ژئوپلیتیک ایران به ویژه طی دو دهه گذشته همواره مسبوق به سابقه بوده است. از مهم‌ترین این تلاش‌ها می‌توان از سرمایه‌گذاری آمریکا در جنگ خط لوله علیه ایران با همکاری کشورهای نظیر ترکمنستان در پروژه «ترانس خزر»، «تاپی» و امارات متحده عربی در پروژه خط لوله «حبشان-الفجیره» نام برد (Mosavi and et al, 2021: 140).

در مقابل حسن روحانی با وعده ارتقای روابط خارجی از طریق تعامل موثر و سازنده با نظام بین‌الملل به قدرت رسید. نظام و ساختار معنای دولت وی براساس معنای ماهوی سخن، کلام و زبان وی، گفتمان اعتدال بود. گفتمانی که براساس دال مرکزی خود، درصدد برقراری نوعی تعادل و توازن بین آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی است. عناصر بنیادین گفتمان اعتدال بر پایه؛ عقل‌گرایی، واقع‌گرایی، تحول‌گرایی، تعامل‌گرایی، عدالت‌گرایی، کمال‌گرایی، چندجانبه‌گرایی، توسعه‌گرایی، امنیت‌طلبی، منزلت‌طلبی و صلح‌طلبی قرار دارد. بر همین اساس اصول سیاست خارجی این دولت بر اساس تعامل موثر و سازنده با نظام بین‌الملل، تنش‌زدایی و رویکرد هزینه-فایده، تبیین و طراحی می‌شود و ماحصل آن در عرصه سیاست خارجی برای جمهوری اسلامی، بهبود و گسترش روابط با کشورهای منطقه و نظام بین‌الملل می‌باشد.

این درحالی است که الگوی کنش راهبردی ایالات متحده در روند دیپلماسی اجبار و سیاست تحریم ایران معطوف به تشویق سایر بازیگران به اعمال تحریم و فشار اقتصادی بیشتر علیه ایران

در راستای انعطاف‌پذیری بیشتر بوده که می‌توان آن را در روند دیپلماسی هسته‌ای ایران بویژه در چارچوب «طرح اقدام مشترک» مشاهده نمود (Mosalanezhad, 2015:30).

#### ۶. نتیجه‌گیری

گفتمان اعتدال بر اساس نظام و ساختار معنایی خود، تعامل موثر و سازنده با نظام منطقه و جهانی را به عنوان اصول بنیادین سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دوره حسن روحانی مورد توجه قرار داده است. از رهیافت‌های چنین باوری می‌توان به خروج پرونده ایران از شورای امنیت از طریق حل مسئله هسته‌ای با انجام توافق برجام، اعتماد نظام بین‌الملل به جمهوری اسلامی به عنوان یک بازیگر خردمند و همچنین بهبود و گسترش روابط ایران با کشورهای منطقه و نظام بین‌الملل اشاره کرد.

در این پژوهش، با مفروض قرار دادن تاثیر نظام معنایی بر تدوین و عملیاتی نمودن رفتار بازیگران، تلاش نمودیم به تحلیل گفتمان دو دولت احمدی‌نژاد و روحانی پرداخته و در ادامه به چگونگی تاثیر گفتمان اعتدال بر سیاست خارجی دولت حسن روحانی اشاره کردیم. براساس آنچه ذکر شد؛ رفتار دولت روحانی بر اساس دال محوری گفتمان اعتدال که برقراری تعادل و توازن بین اهداف سیاست خارجی در زمینه مصالح اسلامی و منافع ملی از یک‌سو و تعادل و توازن بین اهداف و ابزار سیاست خارجی بین عناصر قدرت ملی در توسعه روابط خارجی و ساختار سیاست خارجی است، گسترش و بهبود روبربط جمهوری اسلامی با کشورهای منطقه و نظام بین‌الملل را منجر گردید. روحانی با توجه به عناصر بنیادی گفتمان اعتدال، دکترین سیاست خارجی دولت خود را در تعامل موثر و سازنده با نظام بین‌الملل تعریف نمود و با اشاره به رویکرد هزینه-فایده، به گسترش روابط دیپلماتیک با کشورهای منطقه و نظام بین‌الملل پرداخت. از همین رو شاهد خروج پرونده هسته‌ای ایران از شورای امنیت سازمان ملل و امضای توافقنامه هسته‌ای تحت عنوان برجام با دول غربی هستیم. این درحالی بود که احمدی‌نژاد بر اساس گفتمان عدالت‌محور، نظم موجود در نظام بین‌المللی را غیرقانونی، نامطلوب و نابرابر می‌پندارد و از وظایف اصلی دولت خود را در عرصه بین‌المللی، شرح و توضیح این نظم ناعادلانه می‌داند. از همین رو با تاکید به این موضوع که نظم موجود جهانی، تعالی بشر را به دنبال نداشته و نخواهد

داشت، آن را غلط دانسته و به مبارزه و مقابله با آن می‌پردازد. در نتیجه بنیان سیاست خارجی ج.ا.ا در این دوران براساس تهاجم و مقابله با نظم نظام بین‌الملل تدوین، طراحی و اجرا می‌گردد که در نهایت شاهد ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت و تصویب قطعنامه‌های مختلف علیه ایران هستیم.

#### ۷. قدردانی

نگارندگان از دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان جهت فراهم نمودن شرایط لازم در به انجام رساندن این پژوهش تشکر می‌نمایند.



## References

1. Aghaee, D. (2003). International Organization, Saraye Edalat Publications, Tehran. **[In Persian]**
2. Ahmadi Nezhad, M (2011). The full text of Ahmadinejad's speech at the United Nations General Assembly, <http://irdiplomacy.ir/fa/news/16457/> **[In Persian]**
3. Akhavan Kazemi, B. (2009). The Discourse of Justice in the Ninth State, Journal of Political Science, No. 2, PP. 195-243. **[In Persian]**
4. Arkan, P. (2015). Change in Foreign Policy of Iran Under Rouhani Government and Its Reflections in Domestic Politics, Orsam Review Of Regional Affairs: No. [https://www.academia.edu/22018613/Change\\_in\\_Foreign\\_Policy\\_of\\_Iran\\_Under\\_Rouhani\\_Government\\_and\\_Its\\_Reflections\\_in\\_Domestic\\_Politics](https://www.academia.edu/22018613/Change_in_Foreign_Policy_of_Iran_Under_Rouhani_Government_and_Its_Reflections_in_Domestic_Politics).
5. Bashiriyeh, H. (1995). Political Sociology: The role of social forces in political life, Ney Publications, Tehran. **[In Persian]**
6. Baylis, J; Smith, S; Rahchamani, A. (2004). The globalization of politics: international relations in the modern era, Abrar Moaser Publication, Tehran. **[In Persian]**
7. Dehghani Firozabadi, S. J (2008). Emancipating Foreign Policy: Critical Theory and Islamic Republic of Iran's Foreign Policy, The Iranian Journal of International Affairs XX, No.3.
8. Dehghani Firozabadi, S. J (2013). The discourse of moderation in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran, Diplomatic Hamshahri, No. 74, <http://www.hamshahrionline.ir/print/224203>. **[In Persian]**
9. Fazeli, M. (2004). Discourse and critical discourse analysis, Journal of Executive Management, Vol. 4, No. 14, PP. 81-107. **[In Persian]**
10. Jorgensen, M; Philips, L. (2002). Discourse Analysis as Theory and Method, London: Sage Publication.
11. Hadad, GH. (2015). The new semantic structure of fundamentalists and the foreign policy of the Islamic Republic ( 2005-2013), Political Science, No. 3, PP.41-110. **[In Persian]**
12. Hassan, H. (2008). CRS Report for Congress, <https://fas.org/sgp/crs/mideast/RS22569.pdf>.
13. Iran's Politics and Foreign Policy (2016). Chatham House, <https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/events/2016-03-13-irans-politics-foreign-policy-workshop-summary.pdf>.
14. Gee, J. P. (1999). An Introduction to discourse analysis: Theory and method,



- Routledge.
15. Khatami, S.A. (2006). Quranic foundations of the Islamic state, Iran Newspaper, End of the year special. **[In Persian]**
  16. Katzman, K. (2016). Iran's Foreign Policy, Congressional Research Service, [https://www.everycrsreport.com/files/20160627\\_R44017\\_f37be3e5ccbf6b9555216b40d03abaa31a990742.pdf](https://www.everycrsreport.com/files/20160627_R44017_f37be3e5ccbf6b9555216b40d03abaa31a990742.pdf).
  17. Khalili, R; Mehraban, H. (2019). International Social Capital; A Framework for Explaining Iran and Saudi Arabia Relations, *Geopolitics Quarterly*, Vol. 15, No. 54, PP. 118-145. **[In Persian]**
  18. Mohammadi, M. (2011). The future of the international system and the foreign policy of the Islamic Republic of Iran, Publishing Department of the Ministry of Foreign Affairs, Tehran. **[In Persian]**
  19. Mohammad Nia, M. (2015). Comparing Foreign Policy of Moderate government with that of the Principles government, *Political Research*, Vol. 2, No. 1, PP. 175-204, [http://journals.abru.ac.ir/article\\_15578.html?lang=fa](http://journals.abru.ac.ir/article_15578.html?lang=fa). **[In Persian]**
  20. Mohammadian, A; Rezaei, A. (2016). Explain the foreign policy of the Islamic Republic of Iran Hassan Rohani From the perspective of continuum theory of James N. Rosenau, Global Conference of New Horizons in Humanities, Future Research and Empowerment, <https://www.sid.ir/fa/seminar/ViewPaper.aspx?ID=21683>. **[In Persian]**
  21. Monshipouri, M; Dorraj, M. (2013). Iran's Foreign Policy: A Shifting Strategic Landscape, *Middle East Policy Council*, Vol. 20, No. 4, <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/mepo.12052>.
  22. Mossalanejad, A (2016). The Effect of Sanction Policy on Iran Nuclear Talks, *Geopolitics Quarterly*, Vol. 11, No.39. PP. 1-32. **[In Persian]**
  23. Mousavi, S; Ghaffari, M; shariati, S (2021). Geopolitical Consequences of Expanding China-Turkey Relations on Iran (Case Study: Interconnecting "Middle Corridor" and "Belt and Road" Project), Vol.17, No. 9, PP. 119-148. **[In Persian]**
  24. Naghdi, F; Mousavi Shafae, S. M; Rokneddin Eftekhari, A; Eslami, M (2020). Developing a Dynamic Political Strategy for I.R.I's International Interactions for Economic Development, Vol. 16, No. 8, PP. 7-31. **[In Persian]**
  25. Niyakoe, S. A; Zamani, M. (2016). The Explanation Of The Eleventh Cabinet Nuclear Diplomacy In Iran By Applying The Decision-Making Theory Of Roseanau, *Scientific Information Database*, Vol. 9, No. 33, PP. 181-218, <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=275748>. **[In Persian]**
  26. Omid, A (2007). Commercial opportunities and challenges of Iran's membership in the Shanghai Cooperation Organization, *Business reviews*, No. **[In Persian]**
  27. Rezaei, A; Ghasem, T. (2013). The Foreign Policy of Hassan Rouhani,

- Constructive Interaction within the Framework of Development Oriented Government, Quarterly journal of political and international research, Vol. 5, No. 15, PP. 131-161, [http://pir.iaush.ac.ir/article\\_552039.html?lang=fa](http://pir.iaush.ac.ir/article_552039.html?lang=fa). **[In Persian]**
28. Rohani, H (2013). The full text of Dr. Rouhani's speech at the 68th United Nations General Assembly, <https://www.president.ir/fa/71572>. **[In Persian]**
29. Salehzadeh, A (2013). Iran's Domestic and Foreign Policies, National Defence University Department of Strategic and Defence Studies, Series 4: Working Papers, No. 49, <https://www.doria.fi/handle/10024/92615>.
30. Salimi, H; Dehghani Firoozabadi, S. J; Pouresmaili, N (2017). Theoretical Analysis of the Relations between Regional System and Foreign Policy, Geopolitics Quarterly, Vol. 13, No. 8, PP. 1-24 [http://journal.iag.ir/article\\_55805.html](http://journal.iag.ir/article_55805.html). **[In Persian]**
31. Salmani Jelodar, Y; Barzegar, K; Zakerian, M; Ahmadi, H. (2020). JCPOA and its Impact on Iran's Regional Policies and Strategies: Continuity or Change, International Quarterly of Geopolitics, Vol. 16, No. 8, PP. 172-202, [http://journal.iag.ir/article\\_114821.html](http://journal.iag.ir/article_114821.html). **[In Persian]**
32. Shanahan, R. (2015). Iranian foreign policy under Rouhani, Lowy Institute, <https://www.files.ethz.ch/isn/188299/iranian-foreign-policy-under-rouhani.pdf>.
33. Shirkhani, M. A; Khoshghoftar Lame, H (2012). Discourse and performance of political economy in Tahsildar governments, Vol. 21, No. 1, PP. 136-160, <http://ensani.ir/fa/article/306842>. **[In Persian]**
34. Takeyh, R (2006). A Profile in Defiance: Being Mahmoud Ahmadinejad, The National Interest, No. 38, PP. 16-21. <https://www.jstor.org/stable/42897593>.
35. Tavana, M. A; Rahmani, T; Eslami, H (2016). Analysis of Ahmadinejad Government's Foreign Policy According to the Critical Theory of International Relations, International Journal of Political Science, Vol. 4, No. 8, [https://journals.iau.ir/article\\_532755\\_8bca49dc7740cfe1476bf96b412c80d3.pdf](https://journals.iau.ir/article_532755_8bca49dc7740cfe1476bf96b412c80d3.pdf).

#### COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by the Iranian Association of Geopolitics. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

